

طرز تعلیم تاریخ در مدارس عالییه

بقلم آقای لطیفعلی صورتنگر

میکوبند تاریخ مادر علوم جهان است و این يك بیان عادی و معمولی نیست که محصلین با مورخین بخاطر رونق افزائی متاع خود و جاب مشتری اظهار کرده باشند زیرا فنی که در علل انقراض و تدنی یا ترقی ملل و اقوام بحث می کند و پیشرفت فکری و روحانی جماعات را مورد آزمایش قرار می دهد بدون تردید محتاج الیه محققین علوم و فنون مختلفه خواهد بود تا سائق ظهور و بروز افکار و عقاید معلوم شود و شالوده معتقدات جماعات بدست آید و در نتیجه آن قطعیت و تنقیحی که ملازم علوم و فنون است ایجاد گردد.

این اهمیت و آبرویی که از ازمئه سالفه برای تاریخ وجود داشته است عموم نویسندگان و ارباب ذوق و فکر را برانگیخته است تا هر يك بقدر وسع خویش در مباحث تاریخی وارد شده کدارش دنیا را بر عقاید شخصی خود منطبق نمایند و کتاب زمانه را مطابق ساینده خویش تعبیر و تفسیر کنند و نتیجه این تمایل عمومی آنکه تواریخ قدیمه که امروز بدست ما می افتد از تاثیر عقاید مذهبی و حکمی نویسندگان بی بهره نبوده و احیاً از چشمه فیاض ادبیات آب می خورد بدین معنی که وقایع و حوادث قرون موضوع تراوش ادبی واقع شده ایهت و بیائی اقدامات بشری موجبات و بواعت آن اقدامات را تحت الشعاع خود قرار میدهد.

در قرون سوم و چهارم بعد از میلاد که دنیا دستخوش هجوم و غارتگری قبایل مختلفه هون ها و گوت ها بود شهر روم و مرکز مسیحیت چند بار بدست طوایف مز بوره بتاراج رفت. مردم روم قدیم و سایر متصرفات اروپائی آن امپراطوری بزرگ که هنوز ارباب انواع خود را در محراب کلیسا نشکسته بودند اینطور عقیده پیدا کردند که علت این بلاها همان تغییر مذهب و قبول مسیحیت بوده است و این تحول خدایانی را که قرنها نگاهبان اجاق خانواده بودند بغضب انداخته و آنها را برانگیخته است تا آنیلا «Atilla» را مانند تازیانه قهر خویش بجان جهانیان بیاندازد. اینگونه اعتقاد که طبعاً به ایمان مسیحیت لطمه وارد میساخت اگوستین «Augustine» رئیس روحانی (پاپ) را مجبور نمود که چاره در برطرف ساختن آن بیاندیشد و با اشاره وی از ریوس «Orsius» از اهالی اسپانیا کتاب تاریخ ملل مشرک را «Historiae Adversum paganos» برشته نجر برد آورد. نویسنده مزبور حوادث و وقایع مهمه دنیای کهن را مانند سقوط بابل بدست کورس کبیر و انجار کثو با تورا در کتاب خود شرح میدهد و تنها منظورش آنکه ثابت کند که بلاها و نواب عظیمه مخصوص دوره واحدی نبوده و سقوط و انهدام روم بغضب خدایان رومی ربطی ندارد. پر واضح است که این کتاب کهنه و مهم نمیتواند برای محصلین امروزی سند قاطع تاریخی بشمار آید زیرا غرض اصلی نویسنده یادداشت کردن بیطرفانه و قضاوت عادلانه در حوادث روزگار نیست بلکه مقصود واقعی آنست که برای ازبیش بردن عقیده خود از تواریخ کهن شواهد و امثالی پیدا کرده باشد.

از طرف دیگر بسیاری از شعرا و ارباب ذوق و حتی حکما و فلاسفه با تاریخ سروکار داشته و گاه گاه با حوادث تاریخی تفنن میکرده اند بدین معنی که وقایع گذشته از آن نظر که ایهت یا عظمتی داشته و یا مورد توجه طبقات مختلفه امت بوده است طبع شاعرانه آنها را برانگیخته است تا داستانهای

مهمه تاریخی را از جریان عادی وقایع معزول نموده و بعنوان يك واقعه جداگانه برشته نظم در آورند. و هر گاه بنا بر نظم داستان طویل تری داشته اند و میخواسته اند وقایع يك دوره باحتی چندین قرن را هم منظوم کنند باز مجبور بوده اند تنها امهات مسائل را در نظر آورده اذ کز جزئیات قضایا که استعداد و ظرافت ادبی ندارد صرف نظر نمایند.

کتاب معروفه ابلیاد و ادیسه هومر، داستان انید «Iliad» و یرزبل شاعر رومی و شمس القلاده آنها شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی همه این معنی را ثابت میکنند زیرا صرف نظر از عظمت ادبی و خدمتی که هر يك بسم خویش به ایجاد یا تقویت احساسات ملی و وطن پرستی نموده نام نامداران کهن را مخلد ساخته اند. نمیتوان این کتب همه را سندی تاریخی قرار داد؛ زیرا از یک طرف وقایع محتوبه از وقایع ماقبل و ما بعد مجزاست و تائیا وقایع عادی و معمولی مانند کرانی اجناس یا زیادی مالیات ویا تطاول مرزبانان ابلات و بروز امراض مسریه و انجاء آن که علل غائی لشکر کشی ها و خونریزی هاست مورد توجه گوینده و اقم نشده و حقا نبایستی هم چنین توقعی را داشت زیرا شاعر یای بست عال و بواعث جزئی نیست و منظوری وی سرگرم داشتن خوانندگان خویش است و برای انجام چنین منظوری طبعاً اذ کر وقایع عادی و احصائیه ها و ارقام که مشتاقان شاهکار های ادبی را کسل و فرسوده میسازد بایستی تبری کرده باشد.

از همین جهت داستان جنگ های تریا با آنکه زندگی گامی ملت یونان را بطور جامع نشان داده و اخلاق و آداب و اعیادات ملی را با رنگ آمیزی شاعرانه بدینا میدهد معذک از آنجا که نظر شاعر (شواهد متعدده شبهه معروف را که در باب هویت هم میان علمای تاریخ بود بر طرف ساخته است) در مخلد ساختن شئون عالیه و ملکات کریمه مات یونان و آراستگی و بزرگواری قهرمانان آن بوده است طبعاً از علل اقتصادی که شبه جزیره یونان را بداشتن مستعمرات در سواحل آسیای صغیر و ادار ساخته و تشویقی که تجار یونانی برای این لشکر کشی کرده اند و نتایج وخیمه اقتصادی این هجوم ذکری بمیان نیاورده و هر چند که میتوان از گوشه و کنار این برده دلر با که در ظرافت و لطف از عجایب جهان است سطری از جریان اقتصادی و سیاسی یونان مطالعه نمود ولی بدون تردید داستان ایلاد جویندگان حقایق تاریخی و طالبان فهم مسلمات اقتصادی و اجتماعی یونان کهن را بی نیاز نمیتواند نمود بلکه نویسندگان تاریخ در مراجعه بان کتاب نیز نهایت احتیاط میکنند مبدا شواهدی که از هومر نقل میکنند تاب تحقیق و تدبیر عمیق و قطعی نیاورد.

و یرزبل استاد سخن سرای رومی نیز تاریخ را بخدمت طلبیده و برای خلود نام روم و دوره امپراطوری اگستوس و اقامت ایام ساف را بطور منمزل برشته نظم در آورده است و این رویه با آنکه برای بدست دادن موضوع داستانهای رزمی و قهرمانی فوق العاده دلپسند و مطبوع است ولی از آنجا که وقایع از سوابق و لواحق و موجبات آن بیرون کش شده طلاب علم تاریخ را راهنمای قاطع در فهم علل و جهات قضایا نیست و حتی نمیتوان اطلاع اجدهالی از کلیه تاریخ آن سرزمین از روی این شاهکار رومی بدست آورد.

شاهنامه استاد طوسی نیز نظیر دو شاهکار سابق است و با آنکه جای شك نیست که فکر بلند و طبع و قاد این داستانسرای نامرار ایران را بارنج چندین ساله خویش زنده ساخته و ایرانیان را تا ابد مرهون خود نموده است معذک محصل تاریخ نمیتواند بدین اندیشه و مراجعه باصول و اسناد حکیم طوسی گفتار وی را بنام اقوال قطعی تاریخی بپذیرد و حق آنست که داستانهای شاهنامه از نظر تاریخ نویسی برشته نظم در نیامده بلکه مقصود واقعی آن بوده است که مهمات قضایا و واقعات سلف

برای عبرت آیندگان و تشجیع مردم این کشور باستانی بنظم درآید و استاد طوسی با آن کرم و وسیع خویش نخواست است تنها محصلین تاریخ را سیراب کرده باشد.

غیر از رؤسا و پیشوایان روحانی و سخن سرایان جهان قسمت بیشماری از متفکرین و وفلاسفه نیز با تاریخ تفتن کرده اند و بلاشک آثار این طبقه برای محصلین تاریخ از کار سایرین خطرناک تر است زیرا فکر فیلسوف پخته و مجرب است و استدلالات منطقی وی اغلب به نتایجی منتهی میشود که در استحکام و درستی خود حتی بر علل اصلی و موجبات قطعی قضایای تاریخی محتاج نیست و کسانیکه جوایز حقایقند از خواستن اسناد و مدارک از این متفکرین بزرگ شرم میکنند و نتیجه این میشود که اجتهادات و افکار مستقیمه این متفکرین گاه گاه بر جهر حقیقت حجاب میکشد و یا حقایق را برنگی غیر از رنگ طبیعی آنها جاوه میدهد.

فرانسیس باکون انگلیسی که بر آستی بلقب بدر فلسفه جدید مفتخر است، و بسوسه فرانسیسی خطیب و روحانی و متفکر بزرگ در این قسمت شواهدی عادلند. فیلسوف بزرگ انگلیسی در میان آثار گرانمایه های فلسفی خویش در اواخر حیات تاریخ حیات هنری هفتم سرساسة خانواده تودور «Tudor» انگلیس را برشته تحریر آورده است و بسوسه برای از پیش بردن فکر «سلطنت من جانب الله» رساله «مطالعات راجع بتاریخ عمومی» را با عالم عام هدیه کرده است. سبک متین و جزیل با کون و عمق فکر و شرح صدر و منطقی قوی هر دو نویسنده آنها را بخلاق وواعث و موجبات وقایع راهبری کرده است بطوریکه کتاب آن ها از حدود تاریخ نویسی خارج شده و حالت رسالات فلسفی و معرفه النفس یا علم اجتماع پیدا کرده است.

از اواخر قرن هیجدهم باین طرف علمای تاریخ بر آن شدند که در شرح وقایع ایام ساف تاهرا قدرت داشتند از اجتهاد و افکار ابداعی چشم پوشی کرده حقایق را عربان و مستند باسناد قطعی تردید ناپذیر نموده از تزینات و نقش و نگارها که هر نویسنده چرب دستی را اغوا میکند برهیز نمایند و بجای بدعت و اجتهاد در اسناد و مدارک قضاوت نموده طوری کنند که محصل تاریخ از سرگردانی و اغتشاش رهایی یافته در قضاوت نسبت بوقایع گذشته تحت تاثیر مداومات استادانه نویسندگان زر دست واقع نشود. گیبون انگلیسی «Gibbon» مؤلف کتاب «سردنو و انقراض امپراطوری روم» و میشله فرانسیسی «J. Michelet» مؤلف شهرت تاریخ فرانسه و کارایل انگلیسی نویسنده تاریخ فردریک کبیر و «قهرمان و قهرمان برستی» از پیشقدمان این نهضت بشمارند و لسی مطالعه دقیق در کتب آنها این حقیقت را آشکار میکند که این نویسندگان هنوز نتوانسته اند خود را از اجتهاد و اظهار افکار مستقله رهایی دهند زیرا اولاً دامنه تنیم و کنجکاوای در زمان آن ها بوسعت لازمه نرسیده بود و مطالعه تمام کتب و اسناد از یکفر انتظار نمی رفت و ثانیاً هر يك از نویسندگان تبعات خود را فقط بخاطر پیشرفت عقاید مستقیمه خویش تعقیب می کردند. بدین معنی که گیبون آنقدر از اسناد راجع بتاریخ روم را مطالعه میکرد که بکار کتاب وی و نقشه اصلی آن بخورد و افکار مخالف یا اسناد متضاد را یا از نظر می انداخت و یا بشکلی که منافی با عقاید وی نباشد تفسیر میکرد و کارایل با آن عقیده و ایمان راسخی که بازوم و فایده برهانی و منطقی مردمان بزرگ داشت در قضاوت نسبت بکردار مردم بزرگ و نواخمانندانتون و شکسپیر و کرومول و فردریک احياناً اجتهاد را بر نص رجحان می داد و بر اسناد مخالف قلم نسیان می کشید و نتیجه آن میشد که مؤلفات آنها با آنکه نا اید بایستی محل رجوع و مورد مطالعه محصلین تاریخ واقع شود معذرت آن واجب بود که افکار و قضاوت آنان بانهايت تامل و احتیاط پذیرفته نشود و بطور کلی به کتب آنان قناعت نشده و باز کنجکاوهای محصلین در اطراف وقایع دنباله پیدا کند.

تدریجاً برف پیری برسر قرن هیجدهم بارید و طایعۀ قرن نوزدهم بدیدار گشت و اوراق و اسناد و محفوظه های سیاسی دول در دسترس محصلین کنجکاو قرار گرفت و خانوادہ های کهن نوشته های موروثی را از خانه بیرون دادند و از همه مهمتر رونق علم با آثار عتیقه دانشمندان را در پی اکتشاف تاریخی فرستاد و شهرها و کتیبه ها از زیر خالک بیرون آمد و السنۀ مرده جان تازه گرفت. شوق تحصیل اسناد و مدارک قطعیه و معاصر از دیاد یافت و متفکرین و فلاسفۀ دنیای متمدن برای اولین بار از تاریخ نویسی صرف نظر کرده تخصص در این فن را بکسانی وا گذاشتند که زحمت جستجوی اسناد و ذلت ابرام بخانوادہ های قدیمی و مشقت حفريات را تحمل کنند و فن تاریخ مقام و منزلتی مخصوص و متمایز پیدا کرد. سر حلقہ این مورخین کسانی مانند شامیولون و روزولینی «Rosellini» و ماریت «Mariette» و رالین سون سردر عقب حفريات گذاشتند و دیگران مانند پروفیسور میت لند «Maitland» و نوگرادف «Vénogradoff» در دانشگاه کمبریج و مورانو ری «L.A. Moratori» ایتالیا بی صاحب کتاب منابع تاریخ ایتالیا و ایلین نیز بجستجوی اسناد و مدارک کتبی کهن افتادند تا آنکه امروز کار با آنجا کشیده است که نوشتن تاریخ از معضلات مسائل بشمارد میاید. زیرا در هر سطر و با هر اظهار مورخ ناگزیر است که سند و مدرک خویش را با نشانی صریح بدست دهد و حرفی بدون دلیل دندان شکن بر صفحه نیاورده باشد و از این جهت هر یک از مورخین بزرگ و علامه های فن در یک قرن و حتی در یک زمان خیلی مختصر تخصص پیدا میکنند و دنیا مجموعۀ تحقیقات آنها را بسورت یک کتاب تاریخ می پذیرد. یک نظر بتاریخ معروف لایوس و رامبو یا تاریخ قرون وسطی طبع کمبریج ؟ واضح می کند که کتب نافعہ و مهمہ مزبورہ بوسیلۀ یک نفر برشته تحریر در نیامده بلکه هر یک از متخصصین فن یکی از فصول آنرا نگاشته است و اهمیت کتاب در آنست که نویسندگان در قسمت خویش تا آنجا که در حیز قدرت بشر است از مطالعه و تتبع و بدست آوردن اسناد فر و گذاری نکرده و هر کجا مباحث شبہه پذیر بوده است سند و مدرک قطعی بدست داده اند.

امروز که کتابخانه های جهان متمدن محتوی اسناد و مدارک اصلیه است و مباحث تاریخی آنقدر حلاجی شده است که شبہه و تردید تقریباً از بین رفته تحصیل علم تاریخ بیشتر بدست محصل گذارده شده و زحمت آموزگاران فوق العادہ تقلیل یافته است زیرا خطابه های معلم در دانشکده اغلب بر اهنمائی محصلین بمنابع تاریخی مربوط است و بیشتر بانققاد از رساله های شاگردان بذل همت مینمایند و با آنکه اجتهادات تاریخی و عتاید مستقله را در محصلین تشویق نمیکند اهتمام ناصی بعمل میاید که محصلین برای مقالات یا رساله های خود اسناد و مدارک قطعیه بدست آورند و بنیۀ انتقادی آنها در رد و قبول اسناد زیاد شود.

بطور کلی طرز استفاده از اسناد اینست که معلوم شود آیا سند و مدرک تاریخی تاب انتقادات هفتگانه ذیل را میاورد یا نه :

اول — باید تاریخ ایجاد سند معلوم شود زیرا برواضح است که هر گاه اسناد و مدارک معاصر باوقایع نباشد و یا متعلق بدورۀ دیگر بوده و با سواد و خلاصۀ سند از بین رفتہ ای باشد آن اعتبار و اهمیتی که لازمۀ سند است از بین میرود چنانکه اغلب سواد اسناد تحریف و تبدیل یافته و با مطابقت میل نویسنده دورۀ بعد تفسیر و تعبیر میشود. در قسمت کتیبه ها و اشیاء عتیقه عام باتار عتیقه و در قسمت اسناد کتبی و ادبی زبان شناسی و عام بوجه تسمیه نقاط و اماکن ضرور است و در صورتی

که محصل معلوم مزبوره آشنا نباشد مطالعه و تتبع در آراء علمای این علوم و آشنائی بمقایدمخالف و متضاد واجب میشود .

دوم — عات ایجاد سند لازم است بدست آید . بعضی اسناد تاریخی از قبیل عهدنامه ها یا عربضه سفرا و نمایندگان مامورین اغلب تحت نفوذ حوادث جاریه واقع میشود بدین معنی که احياناً این گونه اسناد میل زمامداران وقت و سلاطین معاصر در نظر داشته و در پرده احترامات و مراسم در باری حقایق را مستور میداشته اند و در این زمینه بسیاری از مورخین در قسمت تاریخ معاصر با زمان خودشان خاطی و بی اعتبار جلوه میکنند . برعکس اسنادی که در تهیه آنها منظور تاریخ نویسی یا عرض وقایع بمقامات عالیتری در کار نبوده و بانویسنده احتیاج برعایت آداب و مراسم نداشته است بعنوان سند تاریخی دارای کمال اهمیت است . مثلاً مراسلانی که تاجر مقیم در یک محل بشریک خویش در محل دیگری مینویسد یا تواریخ حیات که بعضی اشخاص برای خودشان تهیه میکنند و هیچوقت میل و انتظار آن را نداشته اند که آثار آنها که شرح زندگانی خصوصی آنهاست بدست دیگری بیفتد ، یا صورت مخارج سفره اغتیا و قبالة ها و بیحجاج های ادوار ماضیه که برای منظوری جز تاریخ نگاری تهیه شده از اسناد و مدارک مهمه تاریخی بشمار ندر زیر ابر واضح است که تهیه کنندگان این اسناد نسبت بمسائل تاریخی بیطرف خواهند بود .

سوم — بایستی معلوم شود که نویسنده تا چه درجه محل اعتماد است . بعضی از نویسندگان تاریخ بمناسبت مبالغه و کزافه که در تحریرات خویش بکار میبرند واغاب از مأمورین لشکری و کشوری قرون ماضیه در تمام نقاط دنیا که مراسلاتشان بیشتر از نظر پوشیده داشتن حقایق است و در عاقبت زندگانی بکیفر اعمال خویش رسیده اند طبعاً اعتماد مورخ را از خودشان سلب میکنند . همینطور بسیاری از شعرا و مداحان عصر نمیتوانند راوی صادق قضایا واقع شوند . از طرف دیگر بعضی از مورخین یافت میشوند که در یادداشت وقایع جنبه انصاف و حقیقت گوئی و فرار از مدافنه و مزاج گوئی را از دست نداده در اخباری که میشوند دقت کرده صحت و سقم و ارزش اخبار را معلوم مینمایند و در اقوال خود تا حدود امکان شاهد راوی صادق بدست میدهند . در اروپا بید «Pede» روحانی معروف انگلیسی که در قرن هفتم . میخی میزیسته از معتدین مورخین بشمار است زیرا در کتاب تاریخ مذهبی خود ۱ نه فقط در اخبار و روایات قضاوت بیطرفانه نموده است . بلکه در خود روایت و مراجع اخبار نیز از انتقاد و آزمایش کوتاهی نکرده و بالاخره در پایان کتاب خود صورت مأخذ خویش را بدست داده است . از طرف دیگر سن فرانسوا سیز ۲ روحانی ابطالیائی و ماکیا اول معروف همه چیز حتی اسناد و ماخذ را پشت پا زده و لدی الاقتضا از جعل اسناد و روایات خودداری نکرده اند .

نظر بجهات فوق طبعاً اهمیت ماخذ بایستی قبل از هر چیز توجه محصل تاریخ را جلب نموده فریبندگیها و رنگ و نگارهای نویسندگان قرون ماضیه وی را بگمراهی نکشاند . چهارم - لازم است در درجه اول معارم شود که آیا اسناد دیگری وجود دارد که ماخذی را با آمان مقابله و مقایسه نمود و در درجه دوم قبل از پذیرفتن یک ماخذ لازم است از هر گونه مقابله و مطابقه دقیق اسناد فرو گذاری نشود تا اسناد تاریخی مسجل گردد . در تواریخ قدیمه مانند یونان و روم و ایران روایات و داستانهای باقیه را بایستی با اشیاء و کتیبههایی که در نتیجه حفريات بدست میآید و اسامی نقاط مقایسه نموده و در تواریخ قرون جدید و معاصر که تعداد اسناد پیدا میشود لازم است هر سندی را با سایر اسناد

مربوطه مطابقت نمود. مثلا جای شك نیست که برای نوشتن تاریخ قرن نوزدهم مراجعه بجراید منتشره فوق العاده واجب است ولی از آنجا که جراید طرفدار احزاب یا عقاید معین هستند و احیانا فن جریده نگاری مدیران را بجعل «مخبرین مخصوص» و خبر نگاران غیر واقعی و «پست شهری» و «امضا های محفوظ» و ادار می کنند لازم است اولاً تمام جراید هم عصر را مطالعه کرده و پس از آن سایر ماخذ را از قبیل صورت مذاکرات مجلس شورا و پارلمان ها و رومان ها و بالاخره با مراسلات خصوصی و شرح حال ها و سایر اسنادیکه در ادارات ثبت اسناد ممالک متمدنه موجود است مطابقت نمود.

پنجم — لازم است محل ضبط اسناد و مدارک بدست آید. اهمیت این قسمت از آن نظر است که بعضی مراکز طبعاً برای اسناد و مدارک که ضبط میکنند قواعد و نظاماتی دارند، گاهی خلاصه مدارک محتاج الیه آنهاست و گاهی بک قسمت مخصوص از اسناد را ضرور دارند و در هر صورت احیانا بعضی از اسناد را بچشم اهمیت و اعتبار نگریسته و سایر مدارک را که برای مورخ دارای اعتبار مساویست بطاق نسیان میسپارند، و جای شك نیست که هرگاه محصل تاریخ برای مراجعه با اسناد قدیمه با آنها رجوع نماید طبعاً اسناد «مهمه» را بدست آنها میدهند و در صورتیکه چونبندۀ ماخذ کم فرصت و عجول باشد اغلب بسیاری از ماخذ مهمه دیگر را نخواهد دید.

ششم — لازم است در آب و رنگ و موقعیت و سایر مقتضیات محلی اسناد دقت کامل نمود. بعضی شهرها مانند روم و مدینه و اسکندریه یا بغداد و خراسان آب و رنگ مذهبی داشته و طبعاً نوشته ها و اسنادیکه از این نقاط بدست می آید از تعصب عقیدتی و مذهبی فارغ نیست. بعضی شهرها مانند ونیز و میلان و فلورانس و بر دو و هامبورگ و لندن که از ادوار سلف آزادی ها و امتیازاتی مخصوص داشته اند طبعاً نسبت بمرأی گیری که با این آزادی لطمه میزدند بدین بوده اند و قطعاً اسنادی که از این نقاط راجع بسایر شهرها و ممالک همجوار بدست آید از شایبۀ این بدبینی عریان نیست، از طرف دیگر هر شهر با اصطلاح معروف «دوغ ترش خویش را می پسندد» و در عظمت و تجلیل آن طبعاً مبالغه میکند و این مبالغه بایستی مورد توجه محصل باشد، مبدا فریفته مدایح محلی شده از شاهراه حقیقت منحرف گردد.

هفتم — باید فایده و اهمیت هر ماخذ و سند را درست سنجید و بر فرض گذشتن آن از هر شش محک فوق تازه معلوم نمود که يك سند تا بکجا میتواند در مسائل تاریخی مورد مراجعه واقع شود زیرا رجوع بیک سند قطعی و مسجل برای مباحثی که وسعت آن بزرگتر از حد ماخذ است بیش از اجتهاد و عقاید آزاد تاریخی خطرناک و گمراه کننده است. صورت محاسبه بکنفر تاجر قرن شانزدهم برای تشخیص میزان زندگی و نرخ اجناس فوق العاده مهم است ولی رجوع بدان برای ذکر علل انقراض یا بدنی مال و با موجبات ارتقاء و رفاه يك مملکت بهمانقدر مضر است که قیافه کوهستانی و قد بلند و موی مشکین بکنفر از اهالی اسکانند را ملاک و پایه تشخیص ساکنین امروزی بریطانیای کبیر قرار داد.

همینکه محصل این مراحل هفت گانه را با تانی و اندیشه طی کرد هنگام آن میرسد که ذوق و قریه ذانی یا اکنسایبی وی بکار بیفتد زیرا آثار قلمی بشر تنها نتیجه جمع آوری اسناد و ماخذ نیست و نویسنده تاریخ مانند تمام نویسندگان دیگر نیازمند فکر بلند و ذوق سرشار و سلیقه جمیل است تا از اینهمه اشیاء ذقیقت زبنتی نفیس و زیبا بسازد که طباع اهم بمطالعه آن رغبت پیدا کند و مشتاقان حقایق را بیشتر آزمون مطالعه تاریخ گذشتگان نموده فایده حقیقی علم تاریخ را با تالیفات پیمچیده و نازیبای خویش از میان نبرد.